

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۹/۲۲

یونس نگاه

بیگانگان اداری و فرهنگی



فرهنگ لایه های مختلف دارد. ما در خانه، در مسجد، در مکتب و در اداره لباس های گوناگون را می پوشیم ولی در عین حال پوشش ما در مجموع ویژگی هایی دارد که افغانستان را مثلاً از ایران یا پاکستان متفاوت جلوه می دهد. پوشش اداری افغانستان به پیروی از سلیقه، آب و هوا و انتخاب های اجتماعی و سیاسی ما در طول زمان ویژگی هایی یافته است که ما را از پاکستان متفاوت می کند. مثلاً در ادارات ما کسی به ندرت با پای بدون جوراب ظاهر می شود، بخصوص اگر او مقامی داشته باشد. اگر پیراهن تنبان بپوشد و مولوی هم باشد جوراب به پا می کند. چپلک و چپلی هم در افغانستان رایج است. در جلال آباد، بخش هایی از کابل و دیگر مناطق جنوبی چپلی بسیار پوشیده می شود ولی پوشیدن آن در ادارات و از سوی مقامات اداری حتی دران مناطق نیز عام نیست. در جلال آباد و برخی مناطق جنوب شرقی دیگر چپلی پاکستانی پس بندهار نیز در زندگی غیر اداری رایج است و بطور وسیع استفاده می شود که طبیعی است، هم به دلیل رفت و آمد مردم به پاکستان و هم به دلیل آب و هوای این مناطق. آب و هوا گفتم چون چپلی در مناطق گرم مرطوب پوشش ارزان، بادوام و راحت است، اما در مناطق معتدل یا سردی که هوای خشک دارد پوشیدن چپلی طور دوامدار ممکن نیست، زیرا باعث ترکیدگی پا و تکلیف های بسیار می شود. ازینرو چپلی باوجود رایج بودن در بخش هایی از کشور در سراسر ملک ما و در ادارات استقبال نشده است.

اما در پاکستان چپلی بخشی از یونیفورم ملی شان است. مقامات بلند پایه می پوشند، عمران خان بسیار و در سفرهای خارجی نیز چون نماد کشورش می پوشد. مهمتر از آن چپلی و پا های برهنه از جوراب بخشی از یونیفورم ملیشه های پاکستان است.

حال، تعدادی که طالبان را بخاطر نزدیکی با "فرهنگ" روستایی افغان ها بومی تر و نزدیک تر با مردم می دانند و ازین جهت امید هایی به آنان بسته اند، متوجه این ظرافت نیستند که فرهنگ افغانستان تنها به روستا و مناطق نزدیک به پاکستان محدود نمی شود، بلکه لایه های گوناگون دارد. در بخش اداری ما صاحب کود های فرهنگی هستیم که طی سال ها شکل گرفته است و از سلیقه، آب و هوا و سرگذشت جمعی ما نشات می گیرد. در بخش اداری

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکی په خیر و لولی

ما اگر سنتی هم شویم بدون جوراب و با چپلی پس‌بنددار پاکستانی نمی‌رویم بلکه بوت و جوراب می‌پوشیم. مهم‌تر از آن یک‌دست چون پاکستانی‌ها چپلی ملیشه‌ای نمی‌پوشیم بلکه تنوع داریم. هم‌بوتی و هم‌چپلی بودن در ادارات افغانستان کمتر اتفاق می‌افتد.

این نشانه‌ها مهم اند، زیرا رابطه و درک طالبان را از جامعه‌ای که می‌خواهند بر آن حکومت کنند، آشکار می‌سازد. بیگانگی آنان را با نیاز، محیط، سلیقه و فرهنگ مردم ما فاش می‌کند. ذهنیت طالبان نیز این‌گونه با ما تفاوت دارد- بیشتر روستایی پاکستانی‌زده است تا روستایی کابل‌دوست. از همین‌رو آنان با نشانه‌ها و نماد‌های فرهنگی ما سر‌آشتی ندارند و همیشه با آن‌ها در جنگند.

تعدادی نکتایی پوشی را نشانه بیگانگی می‌خوانند، ولی واقعیت این است که چپلی‌پوشی و بی‌جورابی در ادارات افغانستان بیگانگی است نه نکتایی‌پوشی. آدم نکتایی‌پوش در ریاست پوهنتون کابل نه دهاتی را به حیرت می‌اندازد و نه افغان شهری را؛ نه غربی‌ها از دیدن چنان آدم اظهار تعجب می‌کنند و نه حتی پاکستانی‌ها. اما دیدن یک کلاه‌سفید بی‌جوراب، واسکت‌کشال چپلی ملیشه‌ای در راس پوهنتون حتی کسانی را در میان رهبری طالبان متعجب ساخته است و مطمئن‌ایم هم‌قریگی‌های غنی غیرت نیز به نقش و مقام او خندیده‌اند!